

ما و انقلابیه

بقیه از صفحه ۲

یعنی بران امروزه «در مقابل قانون...»

این عوامل و سایر هال اجتماعی و اقتصادی و سیاسی برور باعث شد که آزادی و مساوات المراد بشر از بیست برود.

اما طبقه غیر آزاد اوج بشر که در ابتدا بلبل فوق الذکر میبود باطاعت و بندگی بود برور زمان از یک طرف بهت زیاد شدن تعداد نفرت و از طرف دیگر بسبب ترقی و روشن شدن افراد بشر (بطور کلی) کم کم موقبت غیر مطبوع خود را شناخت.

از این به بعد انقلابات عظیمی در جهان شروع شد مردم محدود ببا غیر آزاد (از این جهت این عنوان را بکار میبریم که شامل تمام انواع و دورهمی مختلف شده) بر علیه دسته مخالف که باید آنها را دسته بنده کننده و غلام کننده نماید قیام کرد.

این انقلابات در طول تمام تاریخ وجود داشته است ولی نتایج انقلابات اولیه چون بر پایه و اساس کامل و دقیق نشده دامنه دار و ممتدی نبوده است نتایج آنها بسیار کم و قابل اهمیت نبوده اند ولی انقلابهای بعدی مخصوصا قرون ۱۸ و ۱۹ و هم چنین قرن اخیر دارای نتایج بزرگی بوده است.

انقلابات امریکا که منجر بوضع محال رژیم بردگی در آمریکا و سپس در تمام جهان شد و همچنین انقلاب کبیر فرانسه و انقلاب اکثریت شوروی و جنگ جهانی دوم که منتهی بشور ملل متفق که سه درخشانی برای پیشرفت اوج بشر است و با اجرای آن میتوان گفت که نوع بشر میبود که آزاد شود بتدریج کوشش کرد که برای بشر حقوق کاملی را تضمین کنند.

انقلاب کبیر فرانسه که ما درباره آن قبلا بحث کردیم این هدیه بزرگ را برای اوج بشر آورد.

تسام افراد بشر (از هر رنگ جنس - ملت - آزاد - طایفه - مذهب - تابعیت و غیره که باشند) از وقتی که بدنیآ آمدند (حتی اگر پدر و یا مادرشان بلبل مختلف از جمله جنایت و یا سایر اعمال خلاف انسانیت در قید و بند باشند) آزاد هستند (و بازم بدون هیچ تاملی) در مقابل قوانین (اهم از قوانین مکلف کننده و باقوانینی که حقوقی را با افراد میدهد) مساوی میباشند.

این اصل است که باید تمام افراد بشری بآن متبایل شده باشند و هر تئوری و نظری که مخالف این قسمت باشد مخالف حقوق وجودان و انسانیت است و در دنیای مترقی و معیشت عادلانه بشری جایی برای وجود این تئوری ها نخواهد بود.

اما علت اینکه پس از سال ۱۷۹۸ یعنی سال انقلاب فرانسه مفاد این ماده قانون پیور اجرا نگذاردند آن بود که باز هم عوامل و هالی که در راه اول باعث از بین رفتن آزادی بشری شده بودند یعنی اولیادها با با وجود آمدن تفاسیم شد که میخواست با سر بر سر ظاهر ترتیب تری اوج بشری را بر سرکی رفلای د دو دسته از آنان و اینها را (و برهم نوی فقط آنان) در صورت موافقت دول محل چیزی نیکند که اینها هم که همه برده آلمان بود استقلال طامعی خود را هم از دست

روزنامه در اجتماع

بقیه از صفحه ۱

بفهماند و آن ما را از جریان دنیا مطلع کند و چون ایامه بود همه آنها که دست در کار این جنبش داشتند حس کرده بودند که برای بیدار کردن مردم و آشنا کردن آنان بعقود خود و حقیقت تضایبا داشتن یک روزنامه ضروری و واجب است بالاخره روزنامه هم بدست آمد و شروع بکار کرد همه میدانستند و میکنند که روزنامه وظایف سنگینی بعهده دار داشته است روزنامه منحصرا بفرود در یک جامعه که ضمنا بخواهد پیشرفت و تحول آن جامعه برباشد کار آسانی نیست.

نوشتن این روزنامه علم می خواهد، سابقه میخواند، شهادت میخواند، آرا را قوی میخواند و مهمتر از همه از خود گذشتهگی و فداکاری میخواند.

روزنامه او پس کسی است که با تمام خود در اشتیاق صلب بکار زندگی برای ترقی و پیشرفت جامعه خود مبارزه میکند و اوست که پیش از هر کس دیگر آماج مخالفین قرار میگیرد و چه بسا که جان شیرین خود را بر سر مقصود بگذارد. اینها گفته می شد و زیاد هم گفته می شد بهر آنکه هر روزنامه برای مردم شروع بکار کرد میان مردم و روزنامه حق و تکلیفی ایجاد می شود حق که مردم بر روزنامه دارند آنست که میخوانند روزنامه از حقوق آنان دفاع کند، می

خواهند آنها را در مبارزه حیات رهبری کند، میخوانند حقایق دنیای خارج را بآنان بگوید، می خوانند در مواقع بیکاری آنان را سرگرم کند، میخوانند صفحات تاریخ و روشن تاریخ آنان را در برابر دیدگانشان بکشاید، میخوانند آنان را از سر نوشت هم نوازشان در هر کجا که هستند بیاگاهاند و بالاخره خواستنیها زیاد است اما آنگاه این مردم برای تحقق خواهشهای خود در برابر روزنامه هیچگونه تکلیفی ندارند و مسلما در اینجا یک تعهد ضمنی وجود دارد افراد جامعه را می توان بدو نسبت

میداد) در آورد. اما اینکه که این (دو دسته) و سایر دسته هاییکه متبایل بکار شیطانی آنها بودند در مقابل نیروهای حق و عدالت با اقبال شدند نوع بشر میخواند که بوسیله منشور ملل متفق و اعلامیه حقوق بشر چهار آزادی خود را برای ابد دران و امان نگاه داشتند همین افکار ضامن آزادی ملل خواهند بود.

اما در ایران همانطور که گفتیم متاسفانه تا بحال ما که در مقابل قوانین مکلف کننده با سایر هم میمانیم مساوی بوده ایم در مقابل بسیاری از قوانین که شامل راباطی برای افراد این آب و خاک است معروم شدیم بطوریکه امروز لازم است برای بدست آوردن حقوقی که باید از ابتدا و از هنگام ولادت برای ما تعیین شده باشد نمائیت ما ایم - حال این معرومیت ها سابقا ذکر شده است و دیگر حاجب توضیح نیست.

اما همانطور که در مقاله قبل گفتیم برادران و خواهران ما با بدروشن شده باشند بدانند که باید آزاد و در مقابل قانون مساوی با سایر هم میهنان خود باشند. و برای تأمین این شرایط لازم است که کوشش بنماییم - حق بکسی نمی دهند بلکه باید آرا را گرفت. (دوای این سلسله مقالات را در شماره بعد بخوانید)

همکاری امراب و یهود

بقیه از صفحه ۱

تقسیم کرد یکمده آنها که می فهمند چه می کنند و چه باید بکنند و بقیه آن ها هستند که با میفهمند چه میکنند و با میدانند برای آینده چه باید بکنند و چه نقشه ای در پیش دارند. در اینجا با طبقه دوم نیز بدوش افراد دسته اول گذاشته شده یعنی آنها برای ترویج پیشرفت اجتماع مجبورند وظایف افراد دسته دوم را بآنان گوشزد کنند و نگذارند اعمال دور از عقل آنها که هنوز معنی اجتماع و کار های آنها را ندانسته اند سدی بر سر راه ترقی جامعه ایجاد کند.

روزنامه ای که تنها و تنها باراده جامعه متکی است. برای آنها کاری کزد و فقط مصالح آنان را در نظر می گیرد مسلما نبود بخود نمیتواند مدت مدیدی با بکار ادامه دهد از مردم انتظار دارد تکلیفی را که ضمنا در قبال آن بعهده گرفته اند انجام دهند.

از آنان تشویق میخواند، کمک هم معنوی و هم مادی می خواهد، استقبال میخواند و بسالخره همکاری و همفکری صادقانه و خالی از غرض شخصی، و دخالت ندادن نظر خصوصی میخواند چنانکه گفتیم مردم یعنی آن ها که آن توقع ما را از روزنامه دارند ضمنا تعهد کرده اند که اینکارها را انجام دهند و باید انجام دهند.

اگر در انجام این تعهد متقابل از یکطرف سستی شود انجام اینخواهد گرفت و آواقت گناه آن بگردن طرفی است که تعهد را نقض کرده و از زیر آن شاه خالی کرده است.

روزنامه ما با همه ناچیزی و ضعف مالی خود متضمن زحمات زیاد و اشکالهای فراوان است عدم همکاری صحیح افراد، دخالت دادن اغراض شخصی در بعضی از نوشته های رسیده، اوضاع رفعت بار اجتماع، وضع بیچیده و تاریک جهان و مهمتر از همه ضعیف بودن بنیه مالی و بودجه روزنامه، اینها همه عواملی هستند که ما را تهدید میکنند تا این خدمت اجتماعی را معطل بگذاریم و از سر آن بگذریم اما در این میان قبل از همه چیز اتکالی ما بآمال و آرزو های اجتماع و قدرت توده حقیقی و باورهای مردم میباشد و پس از آن باراده تر از آن باید بروه و مقدس و روش خویش ما خود را برای هر گونه مبارزه ای که منتج به ارقی اجتماع شود آماده کرده ایم و هیچ کار شکنی و غرض رانی نخواهد توانست ما را از طی اینراه پر افتخار باز دارد جوانان آزاده و افراد روشفکر در اینراه همدم ما خواهند بود و ما نیز انتظار پشتیبانی و همکاری از آنان داریم.

نسبت جهت شهرهای فلسطین آماری که از طرف حکومت فلسطین منتشر شده ارتقا زیرین و اراجح بجهت ۴ شهر مهم آن کشور بدست میدهد:

تل ابویه	۱۶۶۰۰۰
غیر اسرائیل	۱۶۶۰۰۰
اورشلیم	۹۷۰۰۰
غیر اسرائیل	۹۷۰۰۰
حيفا	۶۶۰۰۰
غیر اسرائیل	۶۶۰۰۰
بانا	۲۸۰۰۰
غیر اسرائیل	۲۸۰۰۰

افکار و عقاید ابتکاری سر آلان کولینکام که پسر عالی فلسطین هنگامی که فلسطینی (روحانما) را در فلسطین جنوبی بازوی بد میزند اظهار داشت (همه جا در دهات و کشتی های جدید مشاهده کرده ام که یهودیان بدینوسیله از هیئت محترم هنر پیشگان سیون با بر از تشویق و تهنیتی که از تیم کارکنان باشگاه ماکن ندوده اند تشکر نموده سعادت و موفقیت آن را از در گاه ایزد تعال مسائلت مینمایند.

کتاب
آزادی بدست خود
بقلم
دکتر پینسکر
برودی منتشر میشود

چاپخانه شرکت مطبوعات شماره بعد بخوانید

دوشیزه اشرف وزلی

زنان باید در امور اجتماعی شرکت کنند

طوار لشکر قرون وسطی برای همیشه درهم پیچیده شده و مندون گردیده است امروز سیر تمدن بشر را بجانب زنهای شومی که پسران آدم فرزندان شان را بچشم دختر بودن زنده در کور میگرداند پیگیری شده و دیگر تجدید نخواهد شد.

دنیای امروز اجازه نمی دهد که طبقه زنان مانند اطفال صغیر در کنج چهار دیواری ها محبوس باشند زنان میخوانند و باید در امور اجتماعی شرکت کنند.

بطوریکه تاکنون بکرات ثابت شده است آنها میتوانند در تمام ارکان اجتماع شرکت نمایند و کارهای خود را با موفقیت و سرافرازی بانجام رسانند.

اکنون دیگر نمیتوان زن را یک عضو نالایق و بی استفاده فرض کرد باید گفت که اگر در قدیم مردان زن لایق تر بشمار میرفتند از آنها بود که خدوا آمد مردان را بر تر از زنان آفریده باشد یا این یکی را بر آن دیگری برگزیده بلکه تصور و تامل پیشبان این مسئله را ایجاد میکرد.

زنان و مردان را باید چون دو بال یکسان شرد که اجتماع را بپیزی و خویش پرواز می آورند و به مقام بالا می رسانند هرگز با بر شکسته آهنگ بالا نمیتوان کرد و به طاعت نمیتوان رسید در اینصورت مردان نمیتوانند بخودی خود بدون کمک باوان در جامعه کار کنند و بار سنگین اجتماع را بر دوش داشته باشند.

از روز جاری یک ژاندارک و یک فلورانس وارد مبارزه حیات میشدند و نام خود را زیر صفحات تاریخ مینویدند امر و ژاندارک ها و فلورانس های یکی دو تا نیستند و گروه بیشتری از آنان با دستهای لطیف خود دست بکار مبارزات حیاتی شده اند.

زنان می توانند مانند مردان شاید هم بهتر از آنان در جامعه کار کنند. زنان امروز از حقوق خود آنگاه شده اند تا آرا تمام و کمال بدست بیاورند از مبارزه نخواهند ایستاد.

دارای افکار و عقاید ابتکاری می باشند که بوسیله آنها توانسته اند در ظرف مدت کمی این همه پیشرفت نمایند) در پایان اظهارات خود اضافه نمود که یهودیان در تمام دنیا هیچ دوست و پشتیبانی بهتر از دولت انگلیس ندارند و فقط اختلاف در قضیه مهاجرت است که آنها باید اسرائیل را بر سر و سرخ بخرج دهند و با نانی رفتار کنند تا بهرورایام درست شود.

بدینوسیله از هیئت محترم هنر پیشگان سیون با بر از تشویق و تهنیتی که از تیم کارکنان باشگاه ماکن ندوده اند تشکر نموده سعادت و موفقیت آن را از در گاه ایزد تعال مسائلت مینمایند.

از طرف باشگاه مسافین

توران حسیدیم
دیپلومه مامائی و دارای سابقه چندین ساله
در زایشگاههای تهران
اشالی سه راه سیروس مطب دکتر کهن
اوقات پذیرائی از ساعت ۴ الی ۷ بعد از ظهر
زایمان و درمان باوان بی بضاعت مجان است
لما ینده روزنامه اسرائیل در الیگودرز آقای یحیی سامعی است

ایسرائیل

صاحب امتیاز: دبیر سردیس و کنگرین

تک شماره ۲ ریال

بهای اشتراک { شماره ۱۰۰۰ ریال ۵۰ شماره ۲۰۰۰ ریال

اداره در حرك و اصلاح و درج مقالات وارده مختار است

روزهای دوشنبه منتشر میشود

نشانی انتشاراتی «ایسرائیل» محل اداره تهران سه راه سیروس ایسرائیل روزنامه است مستقل و بی هیچ دسته و حربی بستگی ندارد

ما از اولو های هکب

بقیه از صفحه ۱

خوانند کان محترم مستحضر شد اطلاعات جناب عالی موثق نیست

آقای عزیز شما در يك قسمت مقاله مینویسید «اگر عدالتی در کار باشد نمی توان بیک اقلیت بود اجازه داد که اکثریت مسلمان فلسطین فرمانروایی بکنند» اگر منظورتان فتنه انگیزی و تحریک اقلیت چرامی اوسید (اکثریت مسلمان فلسطین) در صورتی که اگر نظر صالح و سلیمی هم در بین می بود ممکن بود بنویسید اکثریت اعراب فلسطین در آن صورت بخت سیاسی غلط ولی بدون غرض میشد تلقی نمود وقتی که جناب عالی مینویسید اکثریت مسلمان فلسطین می رساند که تحریک احساسات مسندین برادران گرامی مسلمان هم وطن ما مورد نظر است

آقای محترم شما اگر شماره های روزنامه ایسرائیل را مرتب مطالعه کرده باشید میبینید که ما هیچوقت خود را فلسطینی نخواهیم

و این خونریزیهای فلسطین را نتیجه سیاست استعماری شناخته ایم که همیشه میخواهد جنگهای خانگی را در کشور های کوچک بیا کند تا قیومیتش مداومت داشته باشد و با ارباب شواهد ما مجددا پیام خود را بگوش کلیه هموطنان و محبوبان و ارجمند مسلمانان ایران میرسانیم که ایرانیان یهودی هیچ آرزویی بجز حسن نیت و تفاهم و سلوک مودت آمیز با برادران مسلمان خودشان و ترقی و عظمت و استقلال ایران و سعادت ایرانیان ندارند

آقای محترم شما اگر ایرانیان یهودی از افراد مملکت آن هم مملکتی که احتیاج بوحث احتیاج با افراد و احتیاج بشماون دارد، لطمه ای بشوالات معنوی و اجتماعی آن وارد خواهد ساخت

آیا بقیده شما اگر ایرانیان یهودی از هموطنان گرامی و ارجمند مسلمان خودشان تضای حقوق اجتماعی مانند تمام کشورهای بزرگ و متقدم دنیا بیایند دمای باطل و موهومی کرده اند؟ آیا این تقاضاها که برای استحکام و بنیان قدرت و عظمت کشور پایه های استوار و تراز نابرداری هستند با منافع ابرریالیست ها تضاد دارد یا ورشته های تحریک آمیز و خالی از منطقیه ایلاما که میخواهیم کشور محبوب ایران از ایجاد تفرقه و افتاق بهره

بشدو با ما ضای تا همین حقوق اقلیت وحدت اجتماعی و رشد سیاسی مملکت را در نظر میگیریم منافع ابرریالیست ها را انجام داده ایم یا جناب عالی که با داشتن دمای باطل و موهومی که مانع رشد اجتماعی و وحدت ملی ایران میشود منافع ابرریالیست ها را در نظر گرفته اید؟

آقای محترم شما چه میخواهید چه نخواستید خواه مخالف باشید خواه موافق چه تحت تاثیر دستوراتی واقع شوید چه اشرید نه شما و نه صاحبان این سیاست ها که از ویلاهای سواحل تایمز با خورد کردن استخوان های هموطنان ما و شهبا و بسلامتی مزدورهای وفادارشان بهیوش و اوش مشغول هستند

سراجام نخواهد توانست از سیر چبری و تحول تهری تکامل جاوگیری کند

این سیاست ها ممکن است بتواند تا یک مدت محدودی گردش حنبروا کند تر کند ولی محققا نخواهد توانست برای همیشه چنین برنامه های جا برار و ظالمانه ای باقی بماند

ماه آو

بقیه از صفحه ۱

پرداختند پس از ۲۰ سال استقراریاز بواسطه بروز اختلافات داخلی که برتاب شدیدتر از زمان «خانه اول» بود و ظهور دسته بندیها و زدو خورد های گوناگون که روز بروز دامنه آن توسعه می یافت تیطوس سردار سفاک و نامی روم از فرصت استفاده نموده با لشکر فایع شرق و غرب خود به آن سرزمین هجوم آورد و پس از غارتگری بسیار و دادن تلفات بی شمار بالاخره در جنبش روزی یعنی ۹ آو وارد استحکامات داخلی شهر مقدس گردید و این ملت را مقهور ساخت همه زبانی از ایشان را اسیر نموده با طرف و اکناف افریقای شمالی و اروپای جنوبی و جنوب غربی که در آن زمان زیر سلطه رومیان بود پراکنده نمود تا دیگر نتوانند در آن سرزمین اجدادی خود جمع شده مجددا به تشکیل دولت خویش مبادرت ورزند . . . و از آن تاریخ تا سال که ۱۸۷۸ سال می گذرد این قوم یعنی یهودیان متواری شده اسارت دوم دیگر نتوانستند در سرزمین مقدس به تشکیل کانون ملی خود بردارند

چنانکه در بالا گفته شد در اسارت اول که توسط بخت النصر سلطان بابل صورت گرفت اسیران یهود از مرز مداین و باریس کوچ نموده وارد بلاد مرکزی ایران شده در آن قاطر حل اقامت افکندند و در زمان «خانه دوم» با آنکه مخرج مهاجرت از طرف دولت سعادت پشه ایران بهر یک از مهاجرین یهود پرداخت میگردید مملد افراد این قوم بواسطه محبت و مهمان نوازی که از ایرانیان دوره هخامنشی دیده بودند زده کی در ایران راه ترک آن و مهاجرت برین موعود ترجیح دادند چنانکه تاریخ و گزارش کتاب مقدس گواهی میدهد طی چند صد سال که یهودیان در سرزمین اجدادی خود مستقر بودند یهودیان مقیم ایران با کمال صمیمیت و نفاکاری و وفاداری در این آب و خاک زیست نمود و چنان در مبین پرستی و خدمت گزاری استعداد و لیاقت نشان دادند که در میان آناهو و ایران و ترک گای از قبیل مردخای و نجیب و بوستانی بوجود آمدند که به ترتیب در دوره های خشایارشا و داریوش و خسرو پرویز منصبی مشاغل عالی و امور مهمه کشور بودند و ایرانیان بعد از اسلام هم نه تنها از نقطه نظر

چنانکه در بالا گفته شد در اسارت اول که توسط بخت النصر سلطان بابل صورت گرفت اسیران یهود از مرز مداین و باریس کوچ نموده وارد بلاد مرکزی ایران شده در آن قاطر حل اقامت افکندند و در زمان «خانه دوم» با آنکه مخرج مهاجرت از طرف دولت سعادت پشه ایران بهر یک از مهاجرین یهود پرداخت میگردید مملد افراد این قوم بواسطه محبت و مهمان نوازی که از ایرانیان دوره هخامنشی دیده بودند زده کی در ایران راه ترک آن و مهاجرت برین موعود ترجیح دادند چنانکه تاریخ و گزارش کتاب مقدس گواهی میدهد طی چند صد سال که یهودیان در سرزمین اجدادی خود مستقر بودند یهودیان مقیم ایران با کمال صمیمیت و نفاکاری و وفاداری در این آب و خاک زیست نمود و چنان در مبین پرستی و خدمت گزاری استعداد و لیاقت نشان دادند که در میان آناهو و ایران و ترک گای از قبیل مردخای و نجیب و بوستانی بوجود آمدند که به ترتیب در دوره های خشایارشا و داریوش و خسرو پرویز منصبی مشاغل عالی و امور مهمه کشور بودند و ایرانیان بعد از اسلام هم نه تنها از نقطه نظر

آقای محترم شما چه میخواهید چه نخواستید خواه مخالف باشید خواه موافق چه تحت تاثیر دستوراتی واقع شوید چه اشرید نه شما و نه صاحبان این سیاست ها که از ویلاهای سواحل تایمز با خورد کردن استخوان های هموطنان ما و شهبا و بسلامتی مزدورهای وفادارشان بهیوش و اوش مشغول هستند

سراجام نخواهد توانست از سیر چبری و تحول تهری تکامل جاوگیری کند

این سیاست ها ممکن است بتواند تا یک مدت محدودی گردش حنبروا کند تر کند ولی محققا نخواهد توانست برای همیشه چنین برنامه های جا برار و ظالمانه ای باقی بماند

سویا اوهای قرون وسطا و مجددا از لابلای دیوار های مخروبه مکتب استعمار یون بکشور ما وارد شده اند و اکنون که یهودیه ها جرات میکنند حقوق اجتماعی را دعوی کنند اولو خور خوره ها آنها را خواهند خورد بچها و واظب باشید . . . زلف شربازی

آقای مهندس گهای

بقیه از صفحه ۱

را باسم مذهب می شورانند اکنون به نام برتری نژادی آن راه زنی که برای ادامه زندگی شخصی خود را بخطر می اندازد اگر می توانست در شهرستان برای خود زندگی آبرومندی تهیه کند هیچ گاه راه زن نمی شد

بنا بر این اگر بخواهیم موضوع نازیسم و راسیسم را معسوس کنیم باید هائی را که موجب پیدایش آن شده بر طرف نمائیم فرض کنید نژاد ژرمن را اگر در میان آنان اقلیت یهودی وجود می داشت ملت آلمان برای چه برای کی مرام نازیسم را به این شدت تبلیغ و تقویت می کرد

صاحب شکسته علامت ضد یهودیست این علامت مخصوص مرام راسیسم است چون در آلمان غیر از یهودی اقلیت دیگری نبود یهود هم از نژاد ژرمن محسوب می شد این علامت ضد یهود نیز بکار برده شد

در هر کشوری که فقط اقلیت یهودی دارد و اقلیت های دیگری ندارد مرام نازیسم در آن کهر بیشتر مورد توجه است

بنا بر این شما و هم فکران شما اگر بخواهید از شر مرام نازیسم راحت باشید و خواب آرامی بکنید باید اولاً یهود را مانند سایر ملل یک ملت زنده بشناسید

و چنانچه ملل محسوس دارید

مهمان نوازی که فربره طبیعی ایشان است نسبت به یهودیان بیکر فتار بودند بلکه از یک طرف بواسطه پاک دانی و مبین پرستی یهودیان و از طرف دیگر بواسطه مدارات پیغمبر اسلام نسبت بیکدیگر صمیمی بوده و هستند و از آن تاریخ تا حال یهودیان این مرز و بوم نظری جز خدمت به مبین و هدای جز ترقی و تمالی خاک ایران عزیز خود نداشته و ندارند

و همانطور که در «خانه دوم» یهودیان ایران ادامه اقامت را به مهاجرت ترجیح دادند همچنین امروز هم ولو آنکه بفرض کایه یهودیان جهان ام از امریکایی یا اروپایی در سرزمین فلسطین جمع شوند مجال است یهودیان ایران برای مهاجرت بآن سامان درسروس بروراندند زیرا که دل بستگی ما یهودیان و حسی احترامی که بایران مقدس خود داریم نه فقط برای آنست که ۱۹۰۰ سال قبل از ظهور اسلام که تا امروز ۲۴۰۰ سال می شود پرورده این آب و خاکیم بلکه ایران علاوه بر آنکه محل تربیت نیاکان ما است هدفن انبیا و بزرگای مساند حضرت دانیال نبی در شوش و اسیر و مردخای در همدان نیز میباشد

اینست که کمال مطلوب هر فرد یهودی ایرانی آنست که با همکاری سایر برادران هم مبین خود در راه ترقی و تکامل وطن فداکاری نموده به المیایان بجهاند که ایران مال ایران و یهودیانش هم از آن ایراند

ا. خسروا

آقای محترم شما چه میخواهید چه نخواستید خواه مخالف باشید خواه موافق چه تحت تاثیر دستوراتی واقع شوید چه اشرید نه شما و نه صاحبان این سیاست ها که از ویلاهای سواحل تایمز با خورد کردن استخوان های هموطنان ما و شهبا و بسلامتی مزدورهای وفادارشان بهیوش و اوش مشغول هستند

سراجام نخواهد توانست از سیر چبری و تحول تهری تکامل جاوگیری کند

این سیاست ها ممکن است بتواند تا یک مدت محدودی گردش حنبروا کند تر کند ولی محققا نخواهد توانست برای همیشه چنین برنامه های جا برار و ظالمانه ای باقی بماند

نمایش ابراهیم و اسحق توسط هیئت هنر پستان صیون

شبه شدن . . .

برودی

برودی